

تحلیل فضایی رابطه شهرنشینی و طلاق در استان‌های کشور

حسین حاتمی نژاد*، امیر اشنویی** و سمیه خادمی***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۹/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۲/۱۲

چکیده

شهرنشینی تمام عرصه‌های زندگی انسان از جمله روابط انسانی و تعاملات متقابل اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. این فرآیند نوعی تغییر و دگرگونی اجتماعی محسوب می‌شود. رشد سریع جمعیت شهری، تراکم و افزایش آن منجر به پیامدهای آسیب‌زای ارتباطی و تعاملی شده است. یکی از این پیامدهای آسیب‌زا، افزایش طلاق در بین شهروندان می‌باشد. بر اساس آمار رسمی مرکز آمار ایران و سازمان ثبت‌احوال، تعداد طلاق‌های ثبت‌شده در کشور در سالیان اخیر در حال افزایش بوده و نرخ رشد طلاق روندی صعودی را طی کرده است که این مسئله می‌تواند زنگ خطری برای کانون خانواده تلقی شود. هدف تحقیق حاضر، بررسی رابطه شهرنشینی با میزان طلاق در بین استان‌های کشور می‌باشد. داده‌های حاصل از سرشماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران که شامل داده‌های مربوط به وضعیت زناشویی افراد ۱۰ سال به بالا در استان‌های کشور است، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. روش تحقیق، اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از اطلاعات مرکز آمار و سازمان ثبت‌احوال است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد بیشترین طلاق در سرشماری سال ۹۰ مربوط به استان‌های تهران، البرز و خراسان رضوی می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، بین استان‌های مختلف کشور تفاوت معناداری میان میزان طلاق مشاهده می‌شود و نتایج آزمون همبستگی بیانگر رابطه میان شهرنشینی و طلاق است.

کلمات کلیدی

شهرنشینی، طلاق، تحلیل فضایی، جمعیت شهری

* دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکتری جغرافیا، باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی کاشان،

*** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی تهران.

amir.oshnoui@gmail.com

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در چند سال اخیر ذهن اکثر اندیشمندان و حتی عموم را به خود مشغول کرده است، مسئله طلاق است. صنعتی شدن و شهرنشینی تغییرات ساختاری به دنبال خود آورد و نهاد خانواده نیز از این تغییرات تأثیر پذیرفت؛ چراکه این دو عوامل نقش مهمی در کاهش باروری و افزایش امید به زندگی داشت و در نتیجه زمینه برای تحصیلات و مشارکت زنان فراهم شد، سن ازدواج و فرزند آوری بالا رفت و به دنبال آن فردگرایی، افزایش توقعات و انتظارات از زندگی زناشویی و افزایش درآمد زنان، تأثیر مهمی در افزایش طلاق داشته است (محمودیان و خدامردی، ۱۳۸۹).

رشد فردیت در جوامع صنعتی، به فرد این امکان را می‌دهد که به دنبال خواسته‌ها، امیال و آرزوهای خویش، ارزش‌های کهن را زیر سؤال برده و به آن‌ها پشت پا زده و خود را محور جهان مادی تصور کند؛ بنابراین رشد این‌گونه فردیت و نقش‌های زنان، تحرک‌های اجتماعی و شغلی و مهاجرت از روستا به شهر و سستی روابط اجتماعی در شهرها در قرن حاضر، نهاد خانواده را نیز متأثر ساخته و نقش‌ها و ارزش‌های حاکم بر روابط همسران، مادران پدران و فرزندان را به صورتی کلی دگرگون ساخته است؛ بنابراین با تغییرات عدیده در نهاد خانواده، هرچند بطئی و کم‌سرعت، شاهد تنش‌ها و تضادهایی در میان افراد تشکیل‌دهنده این نهاد هستیم که یکی از این حالات وجود طلاق در سطح بالا در جوامع امروزی است. طلاق به‌عنوان جوابی است به تنش‌ها و تضادهایی که در میان همسران رخ می‌دهد و امکان نگهداری این نهاد را از بین می‌برد. از ابتدای قرن بیستم، الگوی سنتی خانواده در ایران با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، تدریجاً روبه تغییر نهاد. در این فاصله زمانی، برخی وقایع و جریان‌های اجتماعی عمده مانند فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی، اصلاحات اداری و قانونی، وقوع انقلاب و جنگ و فرآیند دگرگونی ارزش‌ها بر بافت سنتی خانواده تأثیرات مهمی گذاشته است (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴). تغییرات ساختاری مثل شهرنشینی، صنعتی شدن و مکانیزه شدن کشاورزی باعث مهاجرت نیروی کار به شهرها، افزایش سن ازدواج، افزایش دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و افزایش تحصیلات زنان شده و از طرفی نهاد خانواده در ایران با کاهش پدرسالاری و کاهش خانواده گسترده همراه بوده است (Abbassi-Shavazi & Mc Donald, 2007).

در حال حاضر این پدیده در ایران به شکل یک مسئله و معضل اجتماعی، مشکلات زیادی را برای افراد و خانواده‌های در معرض طلاق به وجود آورده است. درواقع خانواده نهادی است که به اعضای خود احساس آرامش و امنیت می‌دهد و طی قرن‌های متمادی به‌عنوان پایدارترین و مؤثرترین وسیله حفظ ویژگی‌های فرهنگی و عامل انتقال آن‌ها به نسل‌های بعدی بوده است. از همین روست که تشکیل خانواده در همه ادیان به‌ویژه دین مقدس اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است و از آن به‌عنوان کانون آسایش و آرامش نام‌برده شده است (ولی زاده، ۱۳۷۸). به‌طورکلی خانواده به‌وسیله یک رابطه قانونی بین زن و مرد که ازدواج نام دارد، شکل می‌گیرد؛ اما این رابطه قانونی به سه شکل ممکن است از هم گسیخته شود که عبارت‌اند از:

۱- فسخ ازدواج

۲- مرگ یکی از زوجین

۳- انحلال خانواده و از بین رفتن پیوند زناشویی به‌وسیله طلاق زوجین (Shryock, ۱۹۷۶).

نرخ رشد طلاق طی سال‌های اخیر در کشور سیر صعودی داشته است، چنان‌که بر اساس آمارهای منتشره از سوی سازمان‌های مربوطه، در ایران در سال ۱۳۷۵، ۳۸۸۱۷ نفر، از یکدیگر جدا شده‌اند (۱.۵ در هزار). این در حالی است که در سال ۱۳۸۰ از جمعیت متأهل کشور، ۶۰۵۵۹ نفر طلاق گرفته‌اند (۲.۳ در هزار نفر) و این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۹۸۷۵۶ فقره افزایش یافته است (۳.۱ در هزار). به‌عبارت‌دیگر طی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۵ روزانه به ترتیب به‌طور میانگین تعداد ۱۰۶، ۱۶۵، ۲۷۰ فقره طلاق در کشور به ثبت رسیده است (ریاحی و دیگران، ۱۳۸۶). همچنین سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که تعداد افراد بدون همسر به دلیل طلاق در کشور به رقم ۶۵۵۸۵۲ رسیده است. افزایش نرخ طلاق بی‌تردید در نتیجه تأثیر این شرایط بر جامعه بوده است و طبیعی است با این شرایطی که در جامعه فراهم شده است، نرخ طلاق هم‌روزبه‌روز در حال افزایش باشد.

با توجه به اینکه طلاق در دهه‌های اخیر در کشورهای صنعتی و بیشتر کشورهای در حال توسعه روندی صعودی به خود گرفته است و این کشورها از نرخ شهرنشینی بالایی برخوردارند و از آنجائی که ایران کشوری در حال توسعه است و تحت تأثیر روند مدرنیزاسیون دچار تغییراتی شده است و نرخ شهرنشینی در کشور به ۷۲ درصد رسیده است، سؤال اصلی این است: آیا بین شهرنشینی و طلاق در ایران رابطه‌ای مستقیم وجود دارد؟

روش تحقیق

روش تحقیق، اسنادی و بر پایه تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری مرکز آمار ایران و سالنامه آماری ثبت‌احوال و اطلاعات وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۰ بوده است. اطلاعاتی که از سرشماری مورد استفاده قرار گرفته، مربوط به بخش‌های جمعیت، خانوار و وضعیت زناشویی افراد ۱۰ سال به بالا در استان‌های کشور بوده است. به کمک این داده‌ها، شاخص‌های درصد شهرنشینی در استان‌ها، درصد طلاق کل در استان‌ها و درصد طلاق در مناطق شهری استان‌ها استخراج شد و مورد استفاده قرار گرفت.

روش تحلیل: شاخص‌ها ابتدا با استفاده از نرم‌افزار Excel مورد تحلیل ابتدایی قرار گرفتند. سپس برای تحلیل نهایی داده‌ها و ارتباط بین شهرنشینی و طلاق از نرم‌افزار Spss استفاده شده است. داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی تحلیل شدند.

واحد تحلیل: واحد تحلیل استان می‌باشد. استان واحدی از تقسیمات کشوری است که دارای استانداردی است.

جامعه آماری و حجم نمونه: ۳۱ استان کشور مطابق سرشماری سال ۱۳۹۰ بوده است.

فرضیه: بین نرخ شهرنشینی و طلاق رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

پیشینه و مباحث نظری تحقیق

طلاق یکی از مسائل اجتماعی است که از ساختار جامعه متأثر است. منشأ اصلی تغییر و تحول در نظام اجتماعی، یعنی شهرنشینی و صنعتی شدن باعث افزایش تسهیلات زندگی، ارتقا سواد و آموزش، بهبود امکانات زندگی، کاهش مرگ‌ومیر اطفال، افزایش طول عمر و... شده و همزمان با آن تغییر ذهنی و ایدئولوژیکی، نهاد خانواده را نیز مانند سایر نهادها تحت تأثیر قرار داده است. در کل در اثر این تحولات، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دستخوش تغییر می‌شود و این پشتوانه‌ای برای تغییر رفتار آدم‌ها است. نگرش به طلاق، ازدواج و قبح طلاق در وجدان جمعی جامعه دچار تغییر شده و کنترل و فشار اجتماعی بر این مسائل کمتر شده است. ارتباط توسعه و طلاق به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، به کمک نظریات جامعه‌شناسان کلاسیک، نظریات نوسازی، نظریه بوم‌شناختی مکتب شیکاگو، نظریه انتقال جمعیتی و نظریه‌های تحول خانواده برقرار شده است (محمودیان و خدامردی، ۱۳۸۹). در اینجا به تعدادی از مهم‌ترین تحقیقات داخلی و نظریات مطرح در زمینه طلاق که مرتبط با موضوع است، اشاره می‌شود:

"ساروخانی" در تحقیقی درباره طلاق، "پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن" در سال ۱۳۷۲ به این نتیجه می‌رسد که با ورود به تحصیلات دانشگاهی و استمرار در آموزش عالی و ارتقاء در سطوح گوناگون آن طلاق رو به افزایش می‌رود. به طوری که بیشترین نسبت طلاق به ازدواج در بین دکترها به چشم می‌خورد و کمترین میزان طلاق در بین دیپلمه‌ها دیده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۲).

"گلشن" در تحقیق خود با عنوان بررسی طلاق و عوامل اجتماعی - جمعیتی مؤثر بر آن در سال‌های ۷۰-۶۴ در شهرستان خوی، عواملی مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، اشتغال زن، وجود بیکاری در جامعه را به‌عنوان شاخص‌هایی که از ساخت اجتماعی نشأت می‌گیرد، مورد بررسی قرار داده و مشخص گردید هر یک از عوامل فوق در وقوع طلاق مؤثر بوده‌اند (گلشن، ۱۳۷۲).

"پایدارفر و آقاجانین" در سال ۱۳۶۲ پژوهشی تحت عنوان "شکل اجتماعی طلاق" انجام داده‌اند که برخی از موارد مرتبط با توسعه آن در زیر آمده است:

- میزان طلاق در شهر بیش از روستاست.

- توسعه صنعتی و نظام اقتصادی و شهرنشینی با افزایش طلاق رابطه مستقیم دارد.

- افزایش طلاق با سطح تحصیلات و ازدواج در سنین پایین رابطه مستقیم دارد.

- عدم اشتغال مرد خانواده و یا نداشتن شغل، میزان طلاق را بالا می‌برد (حسینی، ۱۳۸۶).

تأکید نظریه نوسازی بر گذار از جامعه سنتی به مدرن است. در جوامع سنتی به قول دورکیم همبستگی مکانیک وجود دارد و تخطی از اصول اخلاقی و اکنشی سخت و بی‌رحمانه‌ای از جانب وجدان جمعی به دنبال دارد (استونز، ۱۳۸۳، ۷۹). با گذار از جامعه سنتی به مدرن، روابط به روابط رسمی و بر اساس منافع اقتصادی تبدیل می‌شود. شخصی شدن و تقسیم‌کار در جامعه روی می‌دهد، وابستگی متقابل بر اساس منافع به وجود می‌آید. همبستگی مکانیکی که بر پایه مشابَهت و وجدان جمعی قدرتمند بنا شده به‌طور فزاینده‌ای جای خود را به تقسیم‌کاری می‌دهد که محصول همبستگی ارگانیکی است (استونز، ۱۳۸۳، ۸۰).

دگرگونی در خانواده همانند سایر نهادهای اجتماعی در اثر پیشرفت‌های فناوری حاصل می‌شود. همان‌طور که نظریه‌های تکاملی از جمله نظریه مورگان عامل فناوری را در دگرگونی در خانواده مؤثر می‌دانند (اعزازی، ۱۳۸۵). سایر نظریه‌های تکاملی هم به تحول نهاد خانواده در طول زمان و اینکه خانواده به شکل هسته‌ای درمی‌آید و کارکردهایش به نهادهای دیگر منتقل می‌شود، اشاره دارند (همان، ۱۶).

تأکید مکتب شیکاگو بر جنبه‌های منفی توسعه و شهرنشینی است (احمدی، ۱۳۸۳). زمانی که شهرها توسعه پیدا می‌کنند، یکسری از مسائل اجتماعی را با خود می‌آورند؛ از جمله حاشیه‌نشینی، بیکاری، فحشاء و بزهکاری و غیره. افزایش طلاق هم به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، در نتیجه همین مسائل ناخواسته از توسعه بی‌رویه شهرها به وجود آمده است (محمودیان و خدامردی، ۱۳۸۹). در نظریه انتقال جمعیت (تودارو، ۱۳۶۶) هم این تحولات به‌گونه‌ای متأثر از نوسازی و صنعتی شدن است؛ چراکه با پیشرفت‌های علمی و پزشکی و بهبود شرایط و امکانات زندگی، کشورها وارد مرحله سوم انتقال جمعیتی می‌شوند و همزمان با آن افزایش امید به زندگی و کاهش باروری و افزایش تحصیلات و مشارکت زنان زمینه را برای افزایش طلاق فراهم کرده است (محمودیان و خدامردی، ۱۳۸۹).

یافته‌های تحقیق

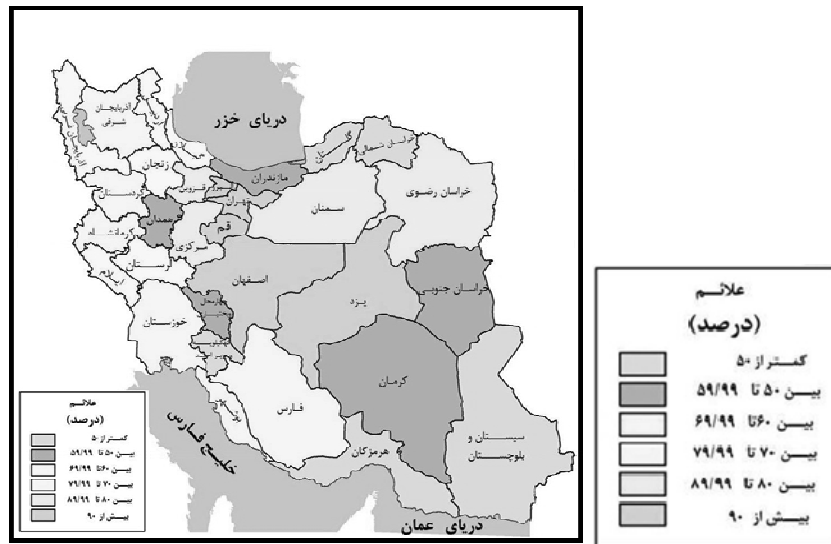
در جدول ۱، داده‌های مورد استفاده در این پژوهش آمده است. مطابق این جدول بیشترین میزان شهرنشینی به ترتیب مربوط به استان‌های قم، تهران و البرز بوده است. بیشترین میزان طلاق مربوط به استان‌های تهران، البرز و خراسان رضوی و بیشترین درصد طلاق در شهرها مربوط به استان‌های تهران، البرز و خراسان رضوی بوده است.

جدول ۱- داده‌های جمعیت، شهرنشینی و طلاق جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر در استان‌های کشور (منبع: مرکز آمار ایران)

استان‌ها	جمعیت ۱۰ ساله به بالا	جمعیت شهری	درصد شهرنشینی	حداقل یک‌بار ازدواج	طلاق کل	درصد طلاق کل	طلاق شهری	ازدواج شهری	درصد طلاق شهر
کل کشور	۶۳۲۴۰۵۹۲	۴۵۵۹۴۴۸۱	۷۲.۰۹	۴۱۵۷۵۲۱۲	۶۵۶۸۵۲	۱.۵۷	۵۴۶۷۰۷	۳۰۰۵۱۲۲۹	۱.۸۱
آ. شرقی	۳۱۶۲۵۳۳	۲۲۱۲۰۹۳	۶۹.۹۴	۲۱۶۵۴۶۳	۲۳۸۳۷	۱.۱	۲۰۰۱۶	۱۵۱۳۸۶۶	۱.۳۲
آ. غربی	۲۵۵۴۷۲۵	۱۶۲۲۰۹۲	۶۳.۴۹	۱۶۶۸۰۸۶	۱۸۰۱۶	۱.۰۸	۱۴۳۳۲	۱۰۷۸۸۳۳	۱.۳۲
اردبیل	۱۰۵۴۸۲۰	۶۷۴۸۶۳	۶۳.۹۷	۶۸۹۹۲۸	۶۳۶۵	۰.۹۲	۴۶۱۷	۴۴۶۰۷۵	۱.۰۳۵
اصفهان	۴۱۹۲۲۶۸	۳۵۸۹۴۹۷	۸۵.۶۲	۲۸۶۶۳۹۱	۳۸۱۸۵	۱.۳۳	۳۴۶۳۲	۲۴۴۳۶۱۴	۱.۴۱۷
البرز	۲۰۶۴۵۸۲	۱۸۷۲۰۱۳	۹۰.۶۷	۱۴۰۳۶۲۳	۳۲۳۶۵	۲.۳۰	۳۰۶۱۰	۱۲۷۲۷۷۲	۲.۴۰
ایلام	۴۷۱۸۲۹	۳۰۱۹۹۸	۶۴.۰۰۵	۲۷۰۷۱۳	۱۸۱۸	۰.۶۷۱	۱۱۳۱	۱۷۵۳۳۷	۰.۶۴
بوشهر	۸۵۵۱۴۵	۵۸۵۷۴۸	۶۸.۴۹	۵۱۵۱۲۱	۵۴۸۰	۱.۰۶۳	۳۹۸۹	۳۴۷۳۳۸	۱.۱۴
تهران	۱۰۵۷۰۶۹۹	۹۸۴۰۸۳۰	۹۳.۰۹	۷۰۳۱۶۰۹	۱۸۰۷۷۰	۲.۵۷	۱۷۳۷۳۶	۶۵۴۲۰۰۳	۲.۶۵
چهارمحال و ...	۷۴۱۴۸۶	۴۳۸۶۱۵	۵۹.۱۵	۴۶۷۹۳۷	۳۳۲۴	۰.۷۱	۲۲۰۷	۲۸۰۲۱۴	۰.۷۸
خراسان جنوبی	۵۳۷۶۶۸	۳۰۳۴۹۴	۵۶.۴	۳۵۶۶۰۳	۳۳۴۲	۰.۹۰	۲۰۱۸	۱۹۵۰۸۳	۱.۰۳۴
خراسان رضوی	۴۹۴۴۴۶۶	۳۵۸۸۵۷۶	۷۲.۵۷	۳۴۳۰۹۵۵	۶۵۶۴۱	۱.۹۱	۵۴۸۸۰	۲۴۶۸۱۲۳	۲.۲۲
خراسان شمالی	۷۱۰۳۱۵	۳۷۲۰۰۲	۵۲.۳۷	۴۷۴۹۵۱	۵۷۳۳	۱.۲	۳۵۰۹	۲۴۷۰۲۳	۱.۴۲
خوزستان	۳۷۰۸۱۸۵	۲۶۶۹۸۰۴	۷۱.۹۹	۲۲۳۹۴۶۱	۲۷۲۷۵	۱.۲۱	۲۲۵۰۲	۱۶۳۶۳۴۱	۱.۳۷
زنجان	۸۵۸۴۵۵	۵۴۱۰۱۰	۶۳.۰۲	۵۷۰۵۴۸	۵۷۰۶	۱.۰	۴۱۵۴	۳۵۶۸۸۲	۱.۱۶
سمنان	۵۳۹۸۷۳	۴۱۶۶۱۹	۷۷.۱۶	۳۵۹۳۵۹	۴۳۲۰	۱.۲۰	۳۴۵۹	۲۷۵۸۳۹	۱.۲۵
سیستان و ...	۱۸۵۸۰۵۹	۹۳۱۴۳۳	۵۰.۱۲	۱۰۹۱۴۱۷	۱۵۷۸۹	۱.۴۴	۹۳۸۴	۵۴۸۴۷۲	۱.۷۱
فارس	۳۹۰۳۸۳۴	۲۶۶۵۸۰۶	۶۸.۲	۲۴۸۲۶۰۸	۳۳۵۰۹	۱.۳۴	۲۶۸۴۹	۱۶۸۹۲۵۰	۱.۵۸
قزوین	۱۰۱۸۱۲۳	۷۴۵۴۰۳	۷۳.۲	۶۹۰۰۷۳	۷۷۳۵	۱.۱۲	۶۳۶۰	۵۰۴۹۳۸	۱.۲۵
قم	۹۵۴۱۰۰	۹۰۶۵۷۰	۹۵.۰۱	۶۴۶۳۲۷	۹۴۴۱	۱.۴۶	۹۱۰۵	۶۱۲۱۵۸	۱.۴۸
کردستان	۱۲۵۸۲۵۶	۸۳۳۱۵۶	۶۶.۲۱	۸۲۰۳۹۶	۱۱۳۰۴	۱.۳۷	۸۶۰۲	۵۴۵۴۰۳	۱.۵۷
کرمان	۲۴۰۵۱۷۲	۱۴۰۲۰۹۰	۵۸.۲	۱۴۹۴۵۷۵	۲۱۱۴۳	۱.۴۱	۱۳۹۵۳	۸۶۹۶۴۴	۱.۶۰
کرمانشاه	۱۶۶۷۷۳۵	۱۱۶۷۲۷۹	۶۹.۹۹	۱۰۲۷۶۶۱	۱۷۷۶۴	۱.۷۲	۱۴۴۹۷	۷۳۱۳۸۵	۱.۹۸
کهگیلویه و ...	۵۳۷۴۱۱	۲۸۵۱۸۸	۵۳.۰۶	۳۱۵۳۸۱	۲۵۲۶	۰.۸۰	۱۴۳۶	۱۶۵۲۴۳	۰.۸۶۹
گلستان	۱۴۶۳۷۰۴	۷۶۰۵۷۳	۵۱.۹	۹۷۳۴۶۹	۱۲۷۸۰	۱.۳۱	۸۵۶۶	۵۰۴۳۵۲	۱.۶۹
گیلان	۲۱۸۹۶۲۳	۱۳۲۰۲۹۶	۶۰.۲	۱۵۱۵۰۰۹	۲۵۱۱۵	۱.۶۵	۱۷۶۲۲	۹۰۷۰۷۹	۱.۹۴
لرستان	۱۴۷۷۳۶۷	۹۱۵۵۵۲	۶۱.۹۷	۹۰۲۰۳۴	۱۰۳۷۳	۱.۱۴	۸۰۶۵	۵۶۵۴۴۱	۱.۴۲
مازندران	۲۶۷۷۶۵۹	۱۴۶۹۸۹۰	۵۴.۸	۱۸۸۳۰۱۹	۲۶۴۹۷	۱.۴۰	۱۷۰۹۳	۱۰۱۱۲۸۳	۱.۶۹
مرکزی	۱۲۱۰۴۶۵	۸۹۱۹۲۴	۷۳.۶	۸۲۷۰۲۱	۱۰۹۳۲	۱.۳۲	۸۶۰۰	۶۰۸۹۱۶	۱.۴۱

استان‌ها	جمعیت ۱۰ سال به بالا	جمعیت شهری	درصد شهرنشینی	حداقل یک‌بار ازدواج	طلاق کل	درصد طلاق کل	طلاق شهری	ازدواج شهری	درصد طلاق شهر
هرمزگان	۱۲۶۱۴۰۳	۶۳۸۶۱۸	۵۰٫۶	۹۹۲۲۱۱	۱۱۴۹۷	۱٫۱۵	۶۵۲۵	۴۰۴۶۳۰	۱٫۶۱
همدان	۱۵۰۴۶۳۸	۹۰۰۱۵۱	۵۹٫۸	۹۹۸۶۱۲	۱۳۳۲۴	۱٫۳۳	۹۸۴۰	۵۹۴۴۴۷	۱٫۶۵
یزد	۸۸۵۹۹۴	۷۳۱۲۹۸	۸۲٫۵	۶۱۵۳۰۲	۵۰۴۶	۰٫۸۲	۴۴۱۸	۵۰۸۵۴۵	۰٫۸۶۸

تصویر ۱- نقشه میزان شهرنشینی استان‌های کشور در سال ۱۳۹۰ (منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)



جهت بررسی رابطه میزان طلاق و شهرنشینی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. بدین منظور ابتدا رابطه میان طلاق و میزان جمعیت را موردسنجش قرار گرفته است. نتایج آزمون همبستگی در جدول ۲ آورده شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد با توجه به ضریب همبستگی ۰/۹۹۳ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ میان میزان طلاق و میزان جمعیت رابطه وجود دارد. بدین معنا که با افزایش جمعیت میزان طلاق نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۲- نتایج آزمون همبستگی بین میزان طلاق

با میزان جمعیت در استان‌ها (منبع: محاسبات نگارندگان)

میزان طلاق	ضریب همبستگی	معنی داری	تعداد
میزان جمعیت	۰/۹۹۳	۰/۰۰۰	۳۱

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی بین میزان طلاق

با میزان جمعیت شهری در استان‌ها منبع: محاسبات نگارندگان

میزان طلاق	ضریب همبستگی	معنی داری	تعداد
جمعیت شهری	۰/۹۹۷	۰/۰۰۰	۳۱

سپس رابطه میان میزان طلاق و میزان جمعیت شهری در استان‌ها موردسنجش قرار گرفت. نتایج آزمون همبستگی دو متغیر در جدول ۳ مشاهده می‌شود. بر طبق نتایج آزمون همبستگی با توجه به ضریب همبستگی ۰/۹۹۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ میان دو متغیر مذکور رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش جمعیت شهری میزان طلاق نیز افزایش یافته است.

در نهایت رابطه میان متغیرهای درصد طلاق و درصد جمعیت شهری در استان‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون همبستگی پیرسون که در جدول ۴ قابل مشاهده است، نشان می‌دهد با توجه به ضریب همبستگی ۰/۳۰۸ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ میان دو متغیر مورد بررسی رابطه معنادار وجود دارد. به بیان دیگر، با افزایش درصد جمعیت شهری بر میزان درصد طلاق در استان‌ها نیز افزوده شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون همبستگی بین درصد طلاق با درصد جمعیت شهری (منبع: محاسبات نگارندگان)

درصد طلاق	ضریب همبستگی	معنی داری	تعداد
درصد جمعیت شهری	۰/۳۰۸	۰/۰۴۶	۳۱

نتیجه گیری

ازدواج و طلاق پدیده‌های دیگر جمعیتی هستند که همانند مولید و مرگ‌ومیر، ساخت جمعیت و تغییرات آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. عمومیت ازدواج، بالا رفتن و یا کاهش سن ازدواج و میزان طلاق در یک جامعه مخصوصاً در افزایش و یا کاهش مولید بسیار مؤثرند. شاید بتوان گفت که یکی از علل کاهش میزان زاد و والد در جوامع صنعتی غرب، تزلزل ارزش‌ها و سست شدن پایه‌های نهاد خانواده، پشت کردن جوانان نسبت به ازدواج بوده و در جوامع یادشده طلاق نیز به‌عنوان یک راه‌حل اجتماعی تا حدودی پذیرفته شده است. در تحقیق حاضر، قسمت مهمی از کار، بر روی میزان شهرنشینی، میزان طلاق و ارتباط بین پدیده‌های جمعیتی شهری با طلاق انجام شده است. عمده داده‌ها از پایگاه مرکز آمار ایران و سرشماری سال ۱۳۹۰ استخراج شد. داده‌های خام ابتدا با استفاده از نرم‌افزار Excel به درصد تبدیل شدند و سپس با استفاده از نرم‌افزار Spss آزمون همبستگی پیرسون بین آن‌ها به عمل آمد. نتایج نشان داد که با افزایش جمعیت، طلاق افزایش داشته است. با افزایش شهرنشینی در استان و همچنین در جمعیت شهری میزان طلاق افزایش یافته است. درواقع استان‌هایی که بیشترین جمعیت شهرنشینی را داشتند، بیشترین میزان طلاق نیز وجود داشته است. در کشور ایران طی دهه‌های اخیر همراه با افزایش جمعیت، میزان شهرنشینی رو به افزایش بوده است و در سال ۱۳۹۰ به ۷۲ درصد رسیده است؛ اما شهرنشینی و زندگی شهری همواره مسائل و پدیده‌های اجتماعی خاص خود را به همراه داشته است که از آن جمله می‌توان به طلاق اشاره نمود. ایران کشوری درحال توسعه است و شهرنشینی همواره با توسعه‌یافتگی بوده است؛ به‌طوری‌که کشورهای صنعتی دنیا بالاترین سطح شهرنشینی را دارا بوده‌اند. در سبک زندگی شهری مسائل اجتماعی مقتضیات خاص خود را دارد. به‌عنوان مثال در شهرها زنان مشارکت اجتماعی بالاتر و اشتغال بیشتری دارند و طلاق در شهرها به نسبت روستاها قبح کمتری دارد. به نظر می‌رسد با افزایش میزان شهرنشینی نگرش عمومی به پدیده‌ای همچون طلاق دچار تغییر شده باشد. از آنجایی که کشور ایران از جمله کشورهای در حال گذار می‌باشد و نظام خانواده از خانواده گسترده به هسته‌ای در حال تغییر است، مطالعه روی مسئله طلاق به رویکرد جامع و بین‌رشته‌ای نیاز دارد. شهرنشینی تنها یک بعد از مسئله را نشان می‌دهد و برای مطالعه سایر ابعاد و عوامل طلاق، نیاز به مطالعات ژرف‌نگر و کیفی دارد. از آنجایی که این پدیده در شهرها و در جهت رسیدن به توسعه پایدار رخ می‌دهد، لزوم مطالعاتی از این دست برای برنامه‌ریزان شهری ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- احمدی، ح. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی. تهران: انتشارات سمت.
- استونز، ر. (۱۳۸۳). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه: مهرداد میردامادی. تهران: انتشارات مرکز، چاپ چهارم.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ چهارم.
- تودارو، م. (۱۳۶۶). توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه: غلامعلی فرجادی. جلد اول، تهران: انتشارات سازمان برنامه‌وبودجه.
- حسینی، س.ح. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق. تهران: نشر سلمان، چاپ اول.
- ریاحی، م.آ.، علوردی‌نیا، آ. و بهرامی‌کاکوند، س. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی کرمانشاه). فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۳.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۲). پژوهشی در شناخت و اقیعات و عوامل طلاق. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عباسی‌شوازی، م.ج. و عسکری‌ندوشن، ع. (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران. فصل‌نامه علوم اجتماعی شماره ۲۵.
- گلشن، ص. (۱۳۷۲). بررسی طلاق و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۶۴ در شهرستان خوی. دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی.
- محمودیان، ح. و خدامرادی، ح. (۱۳۸۹). بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان‌های کشور سال ۱۳۸۵. فصل‌نامه مطالعات امنیت اجتماعی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. <http://www.amar.org.ir/default.aspx>.
- ولی زاده، ع. (۱۳۷۸). پیوندها سست می‌شود وقتی ارزش‌ها در روابط خانوادگی رنگ بیزاد. نشریه ثبت، دوره ۱۱.
- Abbassi-Shavazi, M. J. & Mc Donald, P. (۲۰۰۷). Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State, International Family Change. New York, Pp: ۱۷۷-۱۹۹.
- Shryock, Henry S., Jacob S. Siegel and associates. (۱۹۷۶). The methods and materials of demography. New York: Academic Press.